

بازی‌های زمانه

دکتر مزانه مشیری

www.ketab.ir

سرشناسه	: مشیری تفرشی، منیژه، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: بازی‌های زمانه/ منیژه مشیری.
مشخصات نشر	: تهران: منیژه مشیری تفرشی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-00-0815-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مشیری تفرشی، منیژه، ۱۳۲۲ -
موضوع	: معلمان - ایران - خاطرات
موضوع	: Teachers -- Iran -- Diaries :
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century :
رده ۱۰۰ کنگره	: LB۲۸۳۲/۴/الف ۹م۵ ۱۳۹۷
بندی دهی	: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵
شماره ثبت‌نام ملی	: ۵۲۸۲۶۰۰



بازی‌های روزگار

دکتر منیژه مشیری

چاپ اول، ۱۳۹۷

تیراژ، ۲۰۰ نسخه

حق هرگونه چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۳۷۵۹۶۴۶

۲۵۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	خاطرات
۱۳	چالش هر شهر یور
۲۳	آن روز من و شاگردم
۲۹	جای خالی
۳۸	من و کتاب
۴۶	آزادگی
۵۱	معلم و شمع
۵۴	چرا نه در پی عزم دیار خود باشم؟
۵۷	برگ‌هایی از دفتری
۶۶	سرچشمه‌ها
۶۷	داستان‌ها
۶۹	طاووس‌های هنگ زرهی
۹۰	زینب دختر کافی
۱۱۸	آیا کوتاهی از من بود؟
۱۲۵	سفرنامه‌ها
۱۲۷	سفر به تخت سلیمان

۱۲۷	آتشکده آذرگشنسب
۱۲۹	شینز
۱۳۱	آناهیتا
۱۳۲	آغاز سفر و آنچه دیدیم و شنیدیم
۱۵۲	سرچشمه‌ها:
۱۵۳	سیری در شهرستان تفرش
۱۷۹	اشعار
۱۸۱	خواهم شعری به سراپم
۱۸۵	مدسه‌ای در نیم ساخت
۱۹۱	دکتر بای ویمت بن راز
۱۹۷	مادر

پیشگفتار

روزگار است اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد
سرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد
(قائم مقام فراهانی)

رسم بر این است که نویسنده مقدمه‌ای بر کتابش بنویسد و من نیز باید چنین کنم ولی می‌خواهم از قید قالب‌ها رها باشم. از این رو به عنوان مقدمه، ابتدا شرح بخشی از زندگی خود را می‌نویسم.

زودتر از سن‌ام مرا به مدرسه گذاشتند، چون عاقله و درس خواندن بودم. همه درس‌ها را دوست داشتم و نمراتم در تمام آنها بیست و نه به غیر از ورزش که از پرش ارتفاع نمره کامل نمی‌گرفتم؛ اما هندسه برایم کشش عجیبی داشت که بخش عمده آن را مدیون دبیر کم‌نظیر این درس می‌دانستم. از استدلال‌های هندسه لذت می‌بردم. ساعت تفریح قبل از هر جلسه درس هندسه، هم‌کلاسی‌هایم دورم جمع می‌شدند و از من می‌خواستند که درس آن روز را روی تخته کلاس یک‌بار دیگر برای‌شان شرح دهم. به نظر آنها من بهتر از دبیرمان هندسه را به آنها می‌فهماندم. در مدرسه همیشه یا شاگرد اول یا به‌ندرت شاگرد دوم بودم.

اگر کسی از شغل آینده‌ام می‌پرسید پاسخ می‌دادم که می‌خواهم دکتر متخصص قلب شوم. زمینه رشد این تصمیم، وجود مادر نازنینم بود که دیوانه‌وار دوستش داشتیم. او به مشکل قلبی دچار شده بود و من در جریان درمان او به ارزش نقش حیاتی یک متخصص قلب خوب پی برده بودم. اما این آرزو محقق نشد. چون درست چند روز به امتحان ورودی دانشگاه رانده مادر را بر اثر سکته از دست دادم و پس از آن دچار دوران سوگ نسبتاً طولانی شدم. مسیر من به سمت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و پس از آن کارشناسی ارشد «تدریس زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی» تغییر جهت داد. از این رو وارد شغل معلمی شدم. ابتدا از اینکه این شغل ایجاب می‌کرد مرتباً غریب‌تر از زبانم زیاد خوشم نمی‌آمد، ولی رفته رفته به آن عادت کردم. چهار سالی را به تدریس پرداختم و در کنار تدریس وارد کارشناسی ارشد زبان‌شناسی شدم. در ادامه دکترای زبان‌شناسی گرفتم. بالاترین معدل آن سال را داشتم. آموزش داشتم که به من اطلاع داد که شاگرد اول دانشگاه تهران شده‌ام.

حاصل بیش از بیست و سه سال در این رشته، حدود پنجاه سال تدریس در مقاطع مختلف از پیش از دبستان تا دوره دانشگاهی سراسری در تهران، یعنی تدریس به شاگردان چهارساله تا حدود بیستادساله، این بود که معلم و دکتر در یک مورد کارشان مشترک است: یک پزشک ماهر می‌تواند مریضی را شفا دهد و یک معلم دلسوز ماهر می‌تواند دانش آموز کم‌توان و غافلی را به مسیر درست هدایت کند و شفا بخشد. برعکس آن نیز صادق است: پزشک غیرمتعهد بر اثر سهل‌انگاری ممکن است باعث مرگ بیمار و معلم غیرمتعهد نیز بر اثر بی‌توجهی ممکن است باعث کشتن روح دانش‌آموز شود. سند کم‌کاری و بی‌توجهی پزشک جسد بیمار را است ولی از معلم غیرمتعهد سند فیزیکی بجا نمی‌ماند.

آنچه در بخش نخست این مجموعه گردآوری شده گلچینی از خاطرات دوران تدریس نگارنده است. این خاطرات نشان‌دهندهٔ دغدغه‌های ذهنی شغل یک معلم است. دغدغه‌هایی که بر اثر احساس تعهد نسبت به تک‌تک شاگردان و توجه به تفاوت‌های فردی آنان برای کمک به پیشرفت‌شان در مبرم موفقیت، روح معلم را درگیر می‌کند. هر معلمی که نخواهد با سهل‌انگاری باعث کشتن روح و روان شاگردش شود بی‌شک با این چالش‌ها مواجه خواهد شد. داستان‌هایی که در بخش دوم کتاب آمده‌اند مربوط به اواخر دههٔ ۱۳۲۰ ررشیدی به این سو می‌شوند.

به هر حال با خردر شمه‌ای از زندگی نویسنده در مقدمهٔ کتاب و همچنین با توجه به عادت شصت‌سالهٔ نگارنده، داستان‌ها، ممکن است در پایان کتاب، در ذهن خواننده، این سؤال، اشکل بگیرند که آیا زندگی هرکس حاصل تلاش اوست یا اینکه بر زندگی تسلط قضا و قدر و سرنوشت تعیین می‌شود و شخص در این مورد - یاری ندارد؟ آیا هرکسی زندگیش را خودش می‌سازد؟ آیا رویدادهای زندگی حاصل تصادف است و حساب و کتابی در کار نیست؟ آیا هرچه در زندگی ما روی می‌دهد، از بد و خوب، همه خواست خداوند عالم است؟ آیا زندگی ما مجموعهٔ این عوامل است یا هیچ‌یک از عوامل بالا در زندگی ما نقش ندارند؟ به راستی بازی‌های زمانه در زندگی انسان‌ها بر چه اساس و بیاد است؟ شما خوانندهٔ ارجمند در این مورد چگونه می‌اندیشید؟

جناب آقای مسعود فیروزخانی مدیر محترم علم‌روز برای به انجام رساندن این کتاب زحمت بسیار کشیده‌اند؛ از این رو نگارنده خود را مدیون کمک‌های بی‌دریغ و خالصانهٔ ایشان می‌داند و به‌طور ویژه از تلاش‌های ایشان قدردانی می‌نماید.